

رویکرد معنوی و برنامه ریزی درسی

علی قاسم پور دهقانی *

دکتر احمد رضا نصر اصفهانی **

دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۹

پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۲۲

چکیده

اگر چه پرورش همه ابعاد وجودی متربیبان وظیفه نظام‌های تربیتی است، اما ارزیابی برنامه‌های درسی نشان می‌دهد که در نظام‌های آموزشی، صرفاً به بعد عقلانی فراگیران توجه می‌شود و سایر ابعاد وجودی خصوصاً بعد روحانی و معنوی مورد غفلت قرار می‌گیرد. این درحالی است که طبق نظر متخصصان، پرورش جنبه‌های معنوی در تربیتی برای یافتن خویشتن خویش، امری فوری و حیاتی است. برنامه درسی معنوی به معنی پرورش جنبه‌های معنوی انسان از طریق فرایند آموزش فقط مرکب از زمینه‌های موضوعی نیست، بلکه مبتنی بر زمینه‌های نمادی، زمانی و جهانی قابل تامل است. این نوع برنامه درسی خواهان نیل به سطوح عالی آگاهی، معنی‌دار کردن زندگی و درک رابطه با وجود متعالی و تاثیرگذار بر زندگی است. هدف اصلی این مقاله، تبیین بعد معنوی انسان و برنامه درسی معنوی و تعیین استلزامات برای انتخاب رویکرد معنوی در تعلیم و تربیت است؛ لذا تلاش شده ضمن بحث از ماهیت معنویت و عوامل آن از دیدگاه صاحب نظران مختلف و نیز تشریح معنویت و نشانگرهای آن از نظر قرآن، عناصر الگوی برنامه درسی معنوی به گونه‌ای تبیین شود که با وضعیت و مبانی دین اسلام سازگار باشد.

کلید واژه ها: معنویت، برنامه درسی معنوی، برنامه‌ریزی درسی و تعلیم و تربیت.

* alighasempur@gmail.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

arnasr@edu.ui.ac.ir

** استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

مقدمه

در حوزه برنامه درسی به عنوان قلب نظام آموزشی، رویکردهای گوناگونی هست که هر یک از آنها بر جنبه‌های گوناگونی از وجود انسان تأکید می‌کند. نگاهی به تاریخ برنامه‌های درسی و نیز بررسی رویکردهای نظامهای آموزشی از غلبه یکی یا برخی از رویکردها در آموزش حکایت دارد. در نظام آموزشی کشور ما و نیز بیشتر نظامهای آموزشی دنیا، برنامه‌های درسی و آموزش، عمدتاً حیطه شناختی فراگیران را مورد توجه قرار داده است. این رویکرد، یادگیرندگان را اسیر برخی موضوعات علمی کرده و در نتیجه آنان را به سوی یک بعدی بودن، جزم اندیشی و اعتقاد بدون دلیل، غرور غیرموجه و برخورد غیر عادلانه سوق داده است. پرورش حیطه شناختی نیز عمدتاً بر مبنای برنامه‌های درسی دیسیپلینی و کتاب محور است که این روش طی دهه‌های اخیر تشدید یافته و در نتیجه نظامهای تعلیم و تربیت از پرورش سایر حیطه‌های وجودی فراگیران غفلت کرده و بیش از همه بر کسب دانش و باورهای معقول حیطه شناختی تأکید نموده است (شعبانی، ۱۳۸۵).

بیان مسئله

معنویت، مسئله مهمی است که ضرورت توجه به آن توسط اندیشمندان و دلسوزان دین هم مطرح شده است. شهید مطهری به نقل از اقبال لاهوری می‌نویسد: «بشریت امروز به سه چیز نیازمند است: تعبیری روحانی از جهان، آزادی روحانی فرد و اصولی اساسی و دارای تأثیر جهانی که تکامل اجتماع بشری را بر مبنای روحانی توصیه کند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۲). مطهری معتقد است در عصر ما یک جنایت بزرگ که به صورت فلسفه و سیستمهای فلسفی مطرح شده است، این است که اساساً درباره انسان، شخصیت انسانی و شرافت معنوی انسان هیچ بحث نمی‌کنند و حقیقت "نفخت فیه من روحی" فراموش شده است (مطهری، ۱۳۸۱: ۴۰). اندیشمندان غرب غفلت نسبت به معنویت را تذکر داده اند؛ برای مثال فرانکل (۱۳۸۰) و الکنیس^۱ (۲۰۰۰) معتقدند که ما در دوران سرگشتگی معنوی به سر می‌بریم و این درحالی است که بسیاری از افراد عطش معنویت دارند. بی‌معنایی، مسئله وجودی اصلی زمانه ماست و باید به معنویت توجهی جدی کرد. اگرچه برخی

روشهای گوناگون برای این نیاز بشر عرضه کرده‌اند، عده‌ای نظیر مطهری معتقدند که معنویت حقیقی، تنها بر مبنای دین حاصل می‌شود و نه چیز دیگر. مطهری در این باره معتقد است: «درد امروز جامعه بشری این است که بشر امروز می‌خواهد آزادی اجتماعی را تأمین کند، ولی به دنبال آزادی معنوی نمی‌رود؛ یعنی نمی‌تواند؛ قدرت‌ش را ندارد. چون آزادی معنوی را جز از طریق نبوت، دین، ایمان و ارزشهای اخلاقی نمی‌توان تأمین کرد» (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۰). اما از طرفی بررسی و ارزیابی نظامهای آموزشی نشان داده است که مدارس نمی‌توانند در تعیین اهداف، محتوا و روش خود صرفاً به دین و متون دینی محدود شوند. نیازهای گوناگونی در جامعه هست که سبب شده است امروزه مدارس کمتر با رویکرد دینی و مذهبی به تربیت و تعلیم افراد بپردازند. البته این انگاره، که معنویت از طریق برنامه درسی آموزه‌های دینی به دست می‌آید، سخنی صواب است؛ اما مسئله این است که چه ربط و نسبتی بین معنویت و سایر دروس نظیر هنر، علوم، ریاضیات و غیره وجود دارد. آیا پرورش بعد معنوی فقط باید از طریق دروس خاصی نظیر تربیت دینی صورت پذیرد؟ سایر دروس و مدرسان چه تکلیفی در برابر بعد معنوی انسان دارند؟

به زعم سسرو و پرات^۱ (۲۰۱۱) ویژگیها و عمل نظامهای آموزشی طی دهه‌های اخیر بر پیشرفت تحصیلی، تسلط بر موضوعات درسی، آموزش مهارتهای لازم برای شرکت و موفقیت در آزمونها و در نتیجه نادیده گرفتن رشد اجتماعی، عاطفی و معنویت فراگیران مبتنی بوده است. از نظر مطهری کمال انسان در تعادل و توازن اوست، انسان با داشتن استعدادهای گوناگون، زمانی انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعدادهای دیگرش را مهمل و معطل نگذارد و همه را در وضع متعادل و متوازن، همراه هم رشد دهد (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۱). ارزیابی برنامه‌های درسی در جامعه ما نشان می‌دهد که به دلیل منحصر کردن رشد معنوی فراگیران از طریق اجرای برنامه درسی تعلیمات دینی و در نتیجه به دلیل حاکمیت رویکرد برنامه درسی دیسیپلینی و موضوعی، رشد معنوی در فرایندهای آموزشی کمرنگ یا محو شده است. هدف این نوشتار، بررسی و تشریح ماهیت معنویت و رویکرد معنوی در حوزه برنامه درسی، و لذا تلاش شده است ضمن تحلیل و تشریح رویکرد معنوی و عوامل آن از دیدگاه‌های مختلف، عناصر این رویکرد معرفی، و ربط و نسبت آن با سایر محتواهای آموزشی تبیین شود.

معنا و مفهوم معنویت

معنویت بیانگر یکی از ویژگیهای آدمی است که گاه و بیگاه در رفتار او نمود پیدا می‌کند. "معنویت" در لغت مصدری جعلی، و از واژه معنوی ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن از واژه معنی که خود مصدر میمی، و مفاد آن مقصود است، مشتق شده است. بنابراین، معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. مترادف با واژه (معنویت) در زبان انگلیسی، واژه spirituality به کار می‌رود. این واژه خود از اسم «spiritus» کلمه‌ای لاتین به معنای «نفس و دم» گرفته شده است. در ترجمه‌های لاتین انجیل عهد جدید، spiritualist به کسی گفته می‌شود که زندگی او را روح القدس یا روح خدا نظم می‌بخشد و یا بر آن تأثیر می‌گذارد. به تعبیر شهید مطهری (۱۳۷۶: ۶۹) یک سلسله امور وجود دارند که می‌شود نام آنها را معنویات گذاشت؛ آنها به انسان، ارزش و شخصیت می‌دهند. از دیدگاه دین اسلام، انسان معنوی به کسی گفته می‌شود که غریزه‌های خود را مهار کند و در بند غضب، حرص، طمع، جاه طلبی و افزون خواهی نباشد. روح انسان، وقتی زنده است که از بردگی شهوت و غضب برهد و عبد و پرستشگر هوایش نباشد. اگر انسان بگوید هر چه می‌خواهم، می‌کنم؛ هر جا بخواهم، می‌روم؛ هر چه دوست دارم، می‌خورم؛ هر گونه که میل داشته باشم، زندگی می‌کنم و هیچ قید و بندی ندارم، چنین شخصی، روح و جان خود را برده و اسیر شهوت قرار داده و فطرت خود را زنده به گور کرده است؛ چنانکه خدای متعال می‌فرماید: «قد خاب من دساها» (شمس/۱۰) و در حقیقت، حیات انسانی خود را از دست داده و در زمره مردگان درآمده و «میت الاحیا» گشته است.

بررسی مفهوم معنویت از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که معنویت، جوهر و اساس انسانیت و زمینه عالی آدمیت، و مستعد رشد و توسعه است (میهن^۱، ۲۰۰۲). به نظر مسرو و پرات (۲۰۱۱) معنویت، ارتباط عمیقی با فضایل انسانی^۲ نظیر بخشندگی^۳، مهربانی^۴ و شفقت^۵ دارد و به لحاظ سلامت روانی باعث فروکشی اضطراب و کاهش احساس تنهایی و نیز سبب افزایش عزت نفس، توانایی ارتباط و شایستگی روانی می‌گردد. شلدراک^۶ (۲۰۰۷) معتقد است، معنویت به

- 1- Meehan
- 2- Human virtues
- 3- Forgiveness
- 4- Kindness
- 5- Compassion
- 6- Sheldrake

این مربوط است که چگونه مردم در باطن، صاحب اعتقادات سنتی درباره خدا، انسان، خلقت و رابطه متقابل آنها می‌شوند و آن گاه این اعتقادات را در عبادت، در ارزشهای اساسی و در چگونگی زندگی نشان می‌دهند. هیل و پارگامنت^۱ (۲۰۰۳) معنویت را چنین تعریف کرده‌اند: جستجوی امر قدسی، فرایندی که طی آن افراد با یک امر قدسی رو به رو می‌شوند و در راستای رسیدن به آن امر قدسی زندگی خود را تغییر می‌دهند. از نظر پلانته^۲ (۲۰۰۸) معنویت، رابطه فرد با خدا، واگذاری کار به او، اعتماد به قدرت و هدایت همه جانبه او است. اپلی و فلیهان^۳ (۲۰۰۷) نیز معنویت را رابطه فرا رونده و ایجاد وحدت با طبیعت، انسانها و رسیدن به یگانگی و اتحاد با هستی می‌دانند. پلانکت^۴ (۲۰۰۰) نیز معنویت را منبع معنا، تعیین هدف و جهت‌گیری در زندگی آدمی می‌داند و معتقد است این مقوله به بالغ شدن و عاقل شدن آدمی ختم نمی‌شود.

به‌رغم همپوشی معنویت و دین، توافق همگانی در مورد تمایز میان این دو واژه هست. مراد از دین، نظام اندیشگی است که اولاً از جهان هستی و موضع انسان نسبت به جهان هستی تفسیری عرضه می‌کند. ثانياً براساس این تفسیر شیوه زندگی خاصی را توصیه می‌کند و ثالثاً آن تفسیر و این توصیه را در قالب برخی مناسک و شعائر به صورت رمزی و نمادین جلوه‌گر می‌کند. عبادت مانند حج، روزه، نماز و... صورت رمزی و نمادین تفسیری است که دین از جهان هستی و موضع انسان در آن ارائه کرده است. اما معنویت، گونه‌ای از رویارویی با جهان هستی است که فرآورده‌اش این است که حالتهای نفسانی نامطلوبی مانند غم و اندوه، ناامیدی، دلهره و اضطراب، احساس سرگشتگی، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی تا آنجا که امکان‌پذیر است در انسان پدید نمی‌آید و یا اگر پدید آمده، ناپدید خواهد شد. این گونه رویارویی موجب رضایت باطن می‌شود و نیز برخی فرآورده‌های دیگر مانند عدالت، احسان و محبت را به دنبال دارد (ملکیان، ۱۳۸۲).

کیمبر^۵ (۲۰۰۰) معتقد است معنویت، نیاز فراتر رفتن از خود در زندگی روزمره و یکپارچه شدن با کسی غیر خودمان است، این آگاهی ممکن است به تجربه‌ای منجر شود که فراتر از خودمان است. بنابراین، معنویت، عمومی و همگانی است و مانند هیجان، درجات و جلوه‌های مختلفی دارد؛

1- Hill & Pargament
2- Plante
3- Applebee and Flihan
4- Plunkett
5- Kimber

ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشد یافته یا غیر رشد یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد (وگان^۱، ۲۰۰۳).

ویژگیها و عوامل معنویت

واژه معنویت با بار معنایی خاصی بر سر زبانها جاری می‌شود، اما در صورت توجه به عوامل آن، مفهوم بهتری از آن استنباط می‌شود؛ برای مثال، وگان (۲۰۰۳) برخی از ویژگیهای معنویت را چنین عنوان کرده است:

۱. بالاترین سطح رشد در زمینه‌های شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را در بر می‌گیرد.
۲. یکی از حوزه‌های رشدی جدا است.
۳. بیشتر به عنوان نگرش مطرح است.
۴. شامل تجربه‌های اوج می‌شود.

فریدمن و مک دونالد و کنترل^۲ (۱۹۹۹) پس از مرور معانی معنویت، عوامل آن را چنین عنوان

می‌نمایند:

۱. تمرکز داشتن بر معنی نهایی
۲. آگاهی از سطوح چندگانه هوشیاری^۳ و رشد آنها
۳. باور به گرانبها و مقدس بودن زندگی
۴. ارتقای خود^۴ به کل بزرگتر^۵

الکینس (۱۹۹۸ و ۲۰۰۰) نیز با ارائه الگویی روشن از معنویت، مهمترین عناصر آن را بر می‌شمرد و معتقد است که معنویت محصول رویارویی جان آدمی با امر قدسی به درجات مختلف است. این رویارویی موجب پرورش جان می‌شود و رشد معنوی‌ای را که به نظر انسان‌گرایان مهمترین و برترین نیاز آدمی است، تضمین می‌کند. الکینس (۱۹۹۸) که پژوهشهای زیادی را در حوزه روانشناسی انسان‌گرا داشته در کتاب "فراسوی دین، برنامه‌ای شخصی برای بنای حیاتی معنوی"،

1- Vaughan
2- Friedman H. & McDonald D. & Kuentzel
3- Consciousness
4- Transcendence of self
5- Greater whole

دیدگاه های خود را درباره معنویت آورده است که به طور خلاصه اشاره می شود:
اول: معنویت، جهانشمول است؛ یعنی معنویت در دسترس هر انسانی است و به فرهنگ یا گروه خاص محدود نمی شود.

دوم: معنویت پدیده ای انسانی است؛ این بدان معنا نیست که هیچ عامل الهی در آن نیست؛ بلکه بدین معنا است که معنویت اصیل و معتبر در انسانیت ما ریشه دارد و امری نیست که از بالا یا بیرون بر ما تحمیل شود.

سوم: هسته مشترک معنویت در سطحی پدیدار شناسانه و باطنی قرار دارد. معنویت در گونه ظاهری بیشماری جلوه گر می شود. اما در این گونه ظاهری، دل بستگی مشترکی به امر قدسی وجود دارد، اشتیاقی جهانشمول برای لمس کردن و بزرگداشت راز زندگی.

چهارم: معنویت با ظرفیت ما در پاسخ به امر مینوی مرتبط است. ویژگی ذاتی معنویت راز آمیزی آن است؛ واقعیتی که به راحتی در عصر علمی و مادی مورد بی مهری قرار گرفته است. معنویت در جان آدمی ریشه دارد و به دلیل تجربه امر قدسی پرورش می یابد و با احساس تأثیر عمیق، ابتهاج و خشیت قوت می یابد. سرشت حقیقی معنویت، ترجمانی از راز زندگی و عمق ناپیدای وجود ماست.

پنجم: نوعی انرژی اسرار آمیز همراه معنویت است. هر فرهنگی به نیرویی حیاتی اذعان می کند که در سرتاسر آفرینش در سریان است. جان هنگامی که با این انرژی قدسی نیرو می گیرد، سرزنده می شود و وجود آدمی از شور، قدرت و عمق سرشار می گردد.

ششم: حصول شفقت (دلسوزی)^۱ هدف معنویت است. معنای تحت اللفظی شفقت «همدردی کردن» است. حیات معنوی از عطوفت و مهر قلب سرچشمه می گیرد و معنویت اصیل خود را از طریق رفتار محبت آمیز در برابر دیگران نشان می دهد. همدردی (شفقت) همواره ملاک معنویت اصیل، و برترین آموزه دین است. معنویت بی نصیب از عشق، نوعی تناقض گویی^۲ و محال هستی شناختی است (الکینس، ۱۹۹۸: ۳۶-۳۲).

در اینجا می توان معنویت را چنین تعریف کرد: معنویت یعنی داشتن ارتباط با وجود متعالی، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ و خمهای زندگی و تنظیم

1- Compassion

2- Oxyoron

زندگی شخصی بر مبنای ارتباط با وجود متعالی و درک حضور دائمی در هستی معنادار، سازمان یافته و جهت دار الهی. این بعد وجودی انسان، فطری و ذاتی است و با توجه به رشد و بالندگی انسان و در نتیجه اجرای مناسک دینی و نیز برخی رفتارها متحول می شود و ارتقا می یابد و موجب آثار فردی و اجتماعی فراوانی می شود.

سازواری یا ناسازواری رویکرد معنوی در برنامه درسی

همان گونه که تشریح شد، معنویت یکی از ابعاد ذاتی وجودی انسان و مشترک میان تمام انسانهاست. این بعد مانند سایر ابعاد شناختی، عاطفی و روانی حرکتی، موضوعی تربیتی است. تا جایی که امروزه برای آموزش برخی تخصص ها که به گونه ای با انسانها ارتباط دارد موضوع معنویت کلیدی است و به پرورش قوه معنویت در وجود مدیران، پرستاران، معلمان، روانشناسان، مشاوران و حقوق دانان توجه شده است. این افراد در صورتی که از رشد معنوی خوبی برخوردار باشند، می توانند هنگام کار با افراد، برداشت جامعتری از انسان داشته باشند و در نتیجه اثربخشی زیادی از خود نشان دهند (روجاس^۱، ۲۰۰۲).

علاوه بر این، برنامه های درسی نظامهای تعلیم و تربیت، می تواند بهترین موقعیت را برای تبلور و رشد معنویت در افراد فراهم سازد. برنامه درسی قلب نظام آموزشی است که می تواند زمینه، فرصتهای مناسب، محتوا و نیز روشهای مفیدی را برای پرورش و اعتلای وجود همه جانبه افراد تدارک کند. علاوه بر این، دلیل دیگر اقبال نسبت به برنامه درسی معنوی به نظریات صاحب نظران حوزه برنامه درسی برمی گردد. آنان پس از ارزشیابی برنامه های درسی در گذشته به این نتیجه رسیده اند که اغلب برنامه های طراحی شده نسبت به بعد اصلی وجود متری بی توجه بوده است؛ برای مثال اسلاتری^۲ (۱۹۹۲) ما را برای چیزی بیشتر از آنچه اینک در برنامه های درسی به عنوان هدف در جستجوی آنها هستیم به چالش فرامی خواند و می گوید: «مریاب باید از طراحی برنامه هایی بپرهیزند که بعد مادی، چیرگی در شناخت بیرونی، آمادگی برای آینده ای نامطمئن و تحمل جهان بی دینی را تقویت می کنند. در معنویت باید برنامه درسی به هم پیوسته و آزادی بخش^۳

1- Rojas

2- Slattery

3- Interdependent and emancipatory curriculum

خلق کنیم که از هیجان، پرسش، کوشش و مشارکت سرشار، و هدف در آن به جای محصول نهایی، بیشتر فرایندی کل نگرانه باشد» (اسلاتری، ۱۹۹۲: ۱۹).

آینون و ابنوف^۱ (۱۹۹۹) معتقدند در طول سه دهه گذشته، آموزش و پرورش بویژه برنامه‌های درسی همیشه تابعی از رویدادهای جامعه و تحولات آن بوده است. برنامه درسی موضوع محور^۲ با ویژگی خاص خود همچون در نظر داشتن موضوعات درسی جدا، حافظه محوری، کتاب محوری، معلم محوری، شناخت سطحی و آزمونهای هنجاری^۳، دائما مورد نقادی واقع، و مشخص شده است که این نوع از برنامه‌های درسی، امروزه دیگر با رویکردهای نوین تربیتی تناسبی ندارد.

ارزیابان برنامه‌های درسی بر این باورند که برنامه‌های درسی هنوز از رویکرد مدیریت علمی^۴، که در دهه ۱۹۲۰ رایج بوده، الهام می‌گیرند. اثربخشی و تهیه الگوی خطی برای تقسیم اوقات روزانه مدارس بر اساس واحدهای جدای ۴۰ تا ۵۵ دقیقه‌ای، جزو الگوهای معمول در مدارس است؛ اما با وجود رویکرد مدیریت علمی در فرایند برنامه‌ریزی درسی مدارس، هنوز انواع ناهماهنگی و بی تناسبی تردید و حتی بلا تکلیفی را احساس می‌کنیم.

آینون و ابنوف در انتقاد نسبت به برنامه‌های درسی موضوعی و دیسیپلینی و در راستای بهره‌گیری از رویکرد معنوی در برنامه‌ریزی درسی و تدریس می‌نویسند: «در دوران حاضر، وظایف ما در برابر مشاغل گوناگون جای روح و روان ما را گرفته است، گویا هر آنچه مهم است تنها اجرای وظایف محول شده است. بصیرت معنوی خویش را از دست داده‌ایم؛ نیازمند آن هستیم که با احساسات، هیجانها، افکار و تمایلات خویش، هم‌نشین شویم و در جستجوی معانی آنها باشیم. ضمیرمان ندا می‌دهد که در درون ما چیزهای با معنی تری یافت می‌شود که باید آنها را با آموزش و برنامه درسی عملی سازیم. برنامه‌های درسی در حال حاضر ما را زمینگیر ساخته است. بدون روحیه در مدرسه و در جریان زندگی در حال حرکتیم. وجود داریم اما نمی‌توانیم اظهار وجود کنیم. به غریبه‌ای می‌مانیم که در جمعی ناهمگون حضور دارد و هیچ ارتباطی را نمی‌تواند با توجه به نیازها و علایق و خواسته‌ها و انتظارات خویش برقرار کند» (آینون و ابنوف، ۱۹۹۹: ۲۹).

برنامه درسی معنوی، نوعی از برنامه درسی است که خواهان رسیدن به سطوح بالاتر آگاهی و

1- Iannone & Obenauf

2- Subject matter curriculum

3- Norm- testing

4- Scientific management movement

معنی‌دار کردن زندگی است. در جریان مطالعه مراحل رشد عقلانی، اخلاقی و جسمانی دریافته‌ایم که باید به مطالعه سطوح و مراحل آگاهی معنوی بیشتر پردازیم. ویلبر^۱ (۱۹۹۷) چنین کاری را با ترکیب علم و معنویت در قالب بحث‌های برنامه‌ریزی شده درباره معنویت، انجام داده است. او در کتاب خود با عنوان «بینش معنوی»^۲ می‌نویسد: «مسیر رشد معنوی قطع نظر از محتوای آن، همان مسیر رشد اهداف و بایسته‌های غایی است. این مسیر رشد همانند همه مسیرهای رشد دیگر از طریق توسعه همه جانبه آگاهیها و از طریق حرکت از سوی رشد بایسته‌های پیش‌قراردادی^۳ (خودمحوری^۴) به سوی بایسته‌های قراردادی^۵ (جامعه محوری^۶)، و پس قراردادی^۷ (جهان محوری^۸) و نیز فراتر از پس قراردادی^۹ (بیداری معنوی^{۱۰}) به پیش می‌رود» (ویلبر، ۱۹۹۷: ۲۲۱).

طبق نظر برتراند^{۱۱} (۱۹۹۵) از یک نظر، برنامه درسی معنوی زمینه‌هایی را می‌آفریند که ضمن آگاهی نسبت به دنیای پیرامون خود آن‌چنان با یکدیگر مرتبط می‌شویم که گویی همه عضوی از یک دنیای پهناوریم؛ تنها در این صورت است که برای زندگی تغییر می‌کنیم.

ندینگز و شور^{۱۲} (۱۹۸۴) معتقدند که در برنامه درسی بیشتر به فعالیتهایی نیازمندیم که کار، اندیشه و حل مسئله را برای توسعه درک شهودی به کار گیرد، نه فقط برای توسعه بعد تحلیلی. نکته مهم این است که برنامه درسی معنوی به این معنی نیست که افرادی تربیت کنیم که بدون منطق باشند. بلکه هدف این است که علاوه بر منطق و دلیل به احساسی عمیق و پربارتر دست یابند. ما برای اینکه در برنامه درسی به مراحل عالی‌تر آگاهی و پیشرفت نائل شویم، باید تلاش کنیم سرنشین قایقی بدون پارو در تلاطم دریا نباشیم؛ از دویدن درجا، از جدول‌بندی ساعات آموزش، از فعالیتهای بی‌معنی و از تشریفات و روشهای مرسوم قدیمی بپرهیزیم. ما معتقدیم که استفاده بیشتر از رایانه‌ها، افزایش هزینه‌ها و کمتر کردن تعداد دانش‌آموزان کلاس، بدون توجه بیشتر به معنویت،

- 1- Wilber
- 2- The Eye of Spirit
- 3- Preconventional concern
- 4- Egocentric
- 5- Conventional concern
- 6- Socio centric
- 7- Post conventional concern
- 8- World centric
- 9- Post- post conventional concern
- 10- Bodhisatvic
- 11- Bertrand
- 12- Noddings and Shore

هیچ کمکی به ما نخواهد کرد. برنامه درسی معنوی به معلمان و دانش‌آموزانی نیازمند است که جسارت آن را دارند که خود را از گونه‌های قدیمی تحصیل رها کنند. برنامه درسی معنوی نیازمند محیطی است که در آن انعطاف، خلاقیت، تازگی، تعهد و تأمل فراهم باشد و شخصیت دانش‌آموزان و معلمان به واسطه بارآوریهای ذهنی هدفمند مورد احترام قرار گیرد؛ محیطی که در آن بینش‌های جدید از دیدگاه‌های متفاوت، می‌توانند تعبیر و تفسیر شوند و جایی که بینش‌های تفسیر شده نیز ما را به سوی بصیرتهای عمیقتر هدایت کنند. برنامه درسی معنوی نیازمند وجود فرایندی است که در آن ارتباطها در جهت تبدیل کثرت به وحدت و هویت هدایت می‌شوند (آینون و ابنوف، ۱۹۹۹).

عناصر برنامه ریزی درسی معنوی

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان معنویت را این گونه تعریف کرد: مجموعه‌ای از حالات و نگرشها (ایمان، تعقل، مهرورزی، اخلاص، شرح صدر، صبر و اعتدال) که بر مبنای دین و در ارتباط با خدا بر انسان عارض می‌شود. طبیعی است که این احوال باید در سایه پذیرش و عمل به برنامه تربیتی مورد نظر اسلام به دست آید. در نتیجه باید برای دستیابی به معنویت و یا به منظور پرورش بعد معنوی انسان همانند سایر ابعاد وجودی او برنامه و طرحی ترتیب داد و متناسب با آن عمل کرد.

برنامه درسی معنوی، تحقق معنویت از طریق فرایند برنامه‌ریزی درسی است. عوامل و عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی به زعم کلاین (۱۹۸۵) عبارت است از: هدفها، محتوا، فعالیتهای یادگیری دانش‌آموزان، منابع و ابزار یادگیری، زمان، فضا، گروه‌بندی دانش‌آموزان، راهبردهای تدریس و روشهای ارزشیابی. با این عوامل نه گانه در نظامهای آموزشی به گونه‌های متفاوتی برخورد می‌شود. چگونگی برخورد با هر یک از این عناصر می‌تواند باعث تشدید یا تضعیف معنویت یا برنامه درسی معنوی گردد. در اینجا، مهمترین مراحل فرایند برنامه‌ریزی درسی معنوی مورد بحث قرار می‌گیرد که عبارت است از: اهداف، محتوا، آموزش و ارزشیابی؛ در زیر نکاتی که باید در هر مرحله، فرد یا گروه برنامه‌ریز به آن توجه لازم داشته باشند، ذکر می‌شود.

الف) اهداف برنامه درسی معنوی: برنامه‌ریزان و طراحان برنامه‌های درسی، هدف یا اهداف

خاصی را در برنامه‌های خویش دنبال می‌کنند. هر برنامه‌ای بسته به آگاهی و شناخت فرد یا گروه برنامه‌ریز نسبت به موضوع آن از ویژگیهای خاص معطوف به هدف برخوردار خواهد بود. هدف اصلی برنامه‌ریزی درسی معنوی، ایجاد وضعیتی است که از طریق آن فراگیران به سطوح عالی آگاهی و معنی‌دار کردن زندگی خویش دست یابند.

به زعم سسرو و پرات (۲۰۱۱) هدف برنامه درسی معنوی، هدایت متری به منظور شناخت خود، شناخت جهان و شناخت ذات مطلق است. برنامه درسی معنوی بر ضمیر ناخودآگاه انسان، بر اصول عشق به مذهب، عشق به زندگی و طبیعت، تاریخ و زندگی مذهبی و تجربه دینی تأکید دارد. از نظر متخصصان تعلیم و تربیت، تولد معنویت با اجرای برنامه درسی معنوی صورت می‌گیرد. در نتیجه آموزش معنوی، توسعه ظرفیتهای درونی و بیرونی، بودن و به کمال رسیدن است. احساس بودن و وجود، ناشی از آموزش و پرورش معنوی است که به زندگی و حیات معنا می‌بخشد. قبلا اشاره شد که غایت زندگی معنوی عبودیت است. پس اولین غایت برای برنامه درسی معنوی، شناخت مبدأ به عنوان موجود اصیل و دارای تمام تأثیر در عالم هستی است. می‌توان گفت تمام سنتهای الهی به مدد سنت اختیار ذاتی آدمی آمده‌اند تا او را در نهایت از اصالت دادن به کار پیرامونی و خیالی خارج کنند و به موجود اصیل برسانند. خداوند پیوسته آیات خود را در تمام جهان و نفس انسانها نشان می‌دهد تا بالاخره بفهمند حقیقتی غیر او نیست. در قرآن آمده است: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» (به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها و در دل‌هایشان به ایشان خواهیم نمود، تا بر ایشان روشن گردد که او حق است) (فصلت/۵۳).

دومین غایت برنامه درسی معنوی، جهت یابی اصیل عاطفی انسان است. به این منظور که حب آدمی بالاصاله به خدا تعلق گیرد و همه چیز را از لحاظ نظری و عملی در طول خداوند ببیند نه عرض. سومین غایت مهم در طراحی اهداف برنامه درسی معنوی نیز خروج تدریجی آدمی از بند هوای نفس و خواسته‌های دل و قرار گرفتن در مسیر دستور الهی است که البته اگر به این مهم توجه شود و تحقق یابد، می‌توان شاهد آثار فردی و اجتماعی فراوانی بود. به طور خلاصه باید گفت که غایت اصلی تربیت معنوی، رسیدن به نشانگرهای معنوی است. برای رسیدن به این غایات، باید محتوا و روشهای مناسبی اختیار کرد که به واسطه آن، بعد معنوی در کنار سایر ابعاد وجود انسان پرورش یابد.

ب) محتوای برنامه درسی معنوی: برخی تصور می‌کنند که رشد معنوی افراد از طریق درس خاصی نظیر تعلیمات دینی امکانپذیر است این درحالی است که همه دروس آموزشگاهی توان پرورش بعد معنوی افراد را دارد (میهن، ۲۰۰۲، نیوبای^۱، ۱۹۹۸). هر یک از موضوعات و برنامه‌های درسی بر رشد و پرورش بعد معنوی فراگیران تأثیرات مهمی دارد و می‌تواند به برانگیختگی، کنجکاوی، اشتیاق، واکنش، شادی و اعجاب تفکر و روح آدمی منجر شود. نیوبای (۱۹۹۸) و پتن^۲ (۱۹۹۲) معتقدند که برخی اوقات معنویت با تجربیات زیبایی شناختی^۳ مترادف می‌شود. هنر می‌تواند وسیله‌ای برای توسعه ویژگی‌هایی نظیر خلاقیت، تصویرسازی، همدلی، کاوش معنا و حقیقت شود. به زعم میهن (۲۰۱۰) هنر سکوی پرتاب^۴ و نقطه شروع کشف معانی و حقیقت و فضایی منحصر به فرد برای رشد آگاهی و حساسیت عاطفی و معنوی^۵ است.

تربیت دینی^۶، موضوع درسی دیگری است که از دیدگاه اصلی^۷ (۱۹۹۲) به طور ویژه‌ای به رشد معنوی افراد مرتبط است. تربیت دینی به شرط فرایند محور بودنش به تحریک و رشد بصیرت معنوی، واکنش‌های فردی، شکل‌گیری ارزشها و باورها منجر می‌شود. تربیت دینی دربرگیرنده فراهم سازی موقعیتهایی نظیر یادگیری آموزه‌ها و اعمال دینی و مطالعه متون مقدس و... می‌تواند بصیرت به جایگاه انسانی، کاوش احساسات ناشی از شکست، جدایی، آشتی، تفریح، جشن، قیامت و روز رستاخیز^۸ در زندگی روزانه را فراهم آورد.

ریاضیات موضوع دیگری است که یادگیری آن با رشد معنوی آدمی بی‌ربط نیست. برای بسیاری از انسانها ریاضیات از جدابیت خاصی برخوردار است و آن پی بردن به شگفتی‌ها و اسرار و زیباییهایی است که این دانش ذاتی در خود نهفته دارد. موریس کلاین معتقد است ریاضیات عالیترین دستاورد فکری و اصیلترین ابداع ذهن آدمی است. موسیقی می‌تواند روح را برانگیزد یا آرام سازد. نقاشی می‌تواند چشم‌نواز باشد، شعر می‌تواند عواطف را تحریک کند. فلسفه می‌تواند ذهن را قانع و راضی سازد. مهندسی می‌تواند زندگی مادی آدمی را بهبود بخشد. اما ریاضیات همه

- 1- Newby
- 2- Patten
- 3- Aesthetic experience
- 4- Stepping stone
- 5- Spiritual and emotional sensitivity
- 6- Religious education
- 7- Slea
- 8- Resurrection

این ارزشها را عرضه می‌کند.

علوم، نیز موضوع دیگری است که ربط و نسبت بی‌بدیلی با معنویت آدمی دارد؛ مثلاً بهره‌گیری از میکروسکوپ در کلاس درس می‌تواند پرسشهای گوناگونی درباره جهان، اعجاب در برابر ذرات هستی و آفریننده آن مطرح سازد و در نتیجه موقعیتی برای ارتباط با وجودی متعالی و برتر در جهان هستی شود. به زعم میهن (۲۰۰۲) چنین کاوش‌هایی به منظور کشف معرفت و در نتیجه تجربه شگفتی حاصل از آن، خود نوعی تجربه معنوی است که البته در سراسر نظریات تجربی وجود دارد. علوم همچون وسیله نقلیه‌ای برای ورود به دنیای مادی رمزآلود^۱ است که آگاهی معنوی انسان را به دنبال دارد. مهمترین مسئله برای بهره‌گیری از بعد معنوی برنامه‌های درسی علوم، ریاضیات، هنر و سایر دروس به مریبان مربوط است. به زعم، میلر (۲۰۰۸) معلمان رکن مهمی در پرورش معنوی فراگیران هستند که به منظور موفقیت در این امر همواره باید با رویکردی معنوی به همه دروس، معنی‌دار کردن زندگی انسان و ارتباط با دنیای متعالی را دستور کار هر روزه خود قرار دهند.

برای طراحی برنامه درسی معنوی همواره باید دو امر مهم را مورد توجه قرار داد: یکی در نظر داشتن هدف و دیگری توجه به موقعیت و ویژگیهای افرادی که برنامه برای تعلیم و تربیت آنان تدوین می‌شود. در فرایند برنامه‌ریزی درسی معنوی، هدف رسیدن به معنویت است. طبیعی است که دستیابی به این هدف مهم، شرایط خاصی می‌طلبد. بنابراین محتوایی که برای تحقق هدف برنامه درسی معنوی در نظر گرفته می‌شود باید اولاً با هدف متناسب باشد. ثانیاً به شرایط ذهنی، عاطفی و عقلی و جسمی فراگیران توجه لازم را مبذول کند، ثالثاً با مبانی دین هماهنگ باشد؛ به عبارت بهتر، برنامه طراحی شده باید با هدف آفرینش هماهنگ باشد؛ ویژگیهای روانی انسان و توان و شرایط او را در نظر بگیرد؛ به ابعاد فردی، اجتماعی، زمانی و مکانی انسان بی‌تفاوت نباشد؛ تمام دوران زندگی انسان را در نظر بدارد؛ باعث تامین حالات مطلوب در انسان شود و حالات غیر اصیل را از او بزدايد و اندیشه صحیح رابطه انسان با خالق را بیخشد و به عبارتی ابزار معنوی همه جانبه پدید آورد به گونه‌ای که انسان بتواند در هر موقعیتی از این ابزار برای تقرب به خدا و رسیدن به معنویت استفاده کند.

طبق نظر شهید مطهری (۱۳۸۱: ۲۰) معنویت و آزادی معنوی انسان صرفاً از طریق نبوت، دین و

کتابهای آسمانی تأمین می‌شود؛ لذا کلام خدا و حدیث بهترین منبع برای تدوین محتوا در فرایند برنامه‌ریزی درسی معنوی است. علاوه بر این، روشها و فعالیتهای مربوط به پرورش معنویت و برنامه درسی معنوی، باید بر آموزه‌هایی مبتنی باشد که به طور عمده به واقعیت جهان هستی، انسان، جایگاه انسان در جهان، آفریدگار جهان و انسان، مبدأ و مقصد آفرینش و غیره مربوط شود. از این رو به نظر می‌رسد نوعی از برنامه درسی که شامل فرصتها و فعالیتهای آموزشی مربوط به تربیت معنوی است، لزوماً به نقش وجود شناختی آنها در جهان هستی معطوف است. چنین برنامه‌ای یادگیرندگان را برای تماشای جلوه‌های گوناگون هستی آماده می‌کند که آیه‌های علم، قدرت، عزت، لطف، عدالت و دیگر اسمای حق است. بنابراین محتوای چنین برنامه‌ای علاوه بر بخش مبانی نظری که ترکیبی از اصول عقاید، عرفان نظری، تفسیر متون دینی، احکام عبادی، اخلاق، تاریخ و ادبیات است، یک بخش مقدماتی مربوط به آمادگی برای تحصیل دانش مفهومی و یک بخش مکمل مربوط به فعالیت‌های سلبی و ایجابی تهذیب نفس نیز در بر دارد. هدف اجرای چنین محتوایی، تعالی روح انسانی متریان از طریق فعالیتهای مربوط به تزکیه است. بنابراین می‌توان گفت در محتوای برنامه درسی معنوی باید شاخصهای زیر در نظر گرفته شود تا به معنویت مورد نظر دست یافت:

- ۱- دیدگاه اسلام در خصوص خالق
- ۲- آفرینش بشر و هدف از آن، همچون عبادت، ترویج نیکی و پرهیز از بدی و تبلیغ پیام اسلام
- ۳- ارتباط انسان با خالق و التزام عملی در برابر او و داشتن اخلاص
- ۴- ارتباط انسان با دیگران که باعث نشر عدالت شود، توجه به زندگی و شأن و مقام انسان، خردورزی، رشد اخلاق و نشان دادن مهرورزی
- ۵- روابط انسان با محیط به گونه‌ای که بر نقش خلیفه‌الله بودن بشر تأکید گردد و انسان متعادل، هماهنگ با سایر مخلوقات کار کند و خداوند را از طریق مخلوقاتش کشف کند یا تشخیص دهد.
- ۶- کسب شرح صدر یا رشد خود به گونه‌ای که زمینه لازم را برای اصلاح خود و کسب تجربه از اشتباهات گذشته فراهم سازد.
- ۷- سرنوشت و تقدیر انسانی یعنی افزایش احساس مسئولیت با ارزیابی نقش خود
- ۸- رشد برخی عادات اسلامی که به عمل اسلامی منجر شود.

ج) اجرا و آموزش برنامه درسی: ادوارد کلارک^۱ (۱۹۹۷) می‌گوید: «اگر قرار است برنامه درسی را به عنوان زندگی در همه مظاهر آن^۲ در نظر بگیریم، باید کلاس درس را نیز شامل خانه، جامعه و جهان تصور کنیم. در چنین کلاس گسترده‌ای، هر کس هم معلم است و هم یادگیرنده. شاید کم‌اهمیت‌ترین جزء تجربه آموزشی در این کلاس، آن نوع موضوع یا محتوای آموزشی است که امروزه به صورت سنتی تدریس می‌شود» (کلارک، ۱۹۹۷: ۳۹).

نکته مهم در باب اجرا و آموزش به عنوان عنصری مهم در فرایند برنامه ریزی درسی این است که حوزه اجرا و آموزش معنویت باید در زیر چتر اهداف تربیت معنوی قرار بگیرد. معنویت مورد نظر اسلام بر نگرشها و حالاتی مبتنی است که حاصل برخی آموزشها، فعالیتها و آداب مذهبی یا مبتنی بر دین است. یعنی می‌توان موقعیتهایی را در مراکز تعلیم و تربیت فراهم کرد که به این دانشها و نگرشها و حالات مطلوب دست یافت؛ برای مثال میلر به عنوان یکی از نظریه پردازان برنامه درسی معنوی در کتاب خود تلاش کرده است تا اندیشه برنامه درسی معنوی را فراگیر نماید. او در حوزه اجرای برنامه درسی معنوی کارها و اقداماتی را پیش روی مربیان می‌گذارد؛ مانند مراقبه، تجسم کردن، کار با رؤیاها و نگارش خلاق روزانه. البته مراقبه مورد نظر میلر با سنتهای مذهبی ارتباط چندانی ندارد. مراقبه مورد نظر او شامل توجه به تنفس، روابط بدن، راه رفتن، صداها و کلمات خاص، تجسم‌های ذهنی و آرامش عضلانی است که لازم است با فعالیتهای رسمی مدرسه همچون آزمونها، ورزش و نمایش همراه شود (میلر، ۱۳۸۰).

فراخوانی تخیلات و پرورش اندیشه‌ها و تصورات دانش‌آموزان، یکی از اهدافی است که میلر از افزودن عنصر تجسم ذهنی، قصه‌گویی و نگارش خلاق به برنامه درسی دنبال می‌کند. او کوشش می‌کند با آوردن مثالهایی از تأثیر تجسم ذهنی در یادگرفتن چرخه آب، حوادث تاریخی و نقاشی، ضرورت پرداختن به تجسم ذهنی برای ایجاد ارتباط میان موضوعات درسی با تجربه‌های درونی تبیین کند. او هم چنین به رؤیاها توجه دارد و می‌نویسد: «رؤیاها به عنوان یک روش مهم در آموزش معنوی در پرورش ذهنی، جسمی و روحی هر شاگرد مؤثر است» (میلر، ۱۳۸۰: ۹۴). او برای توجیه بهره‌گیری از رؤیاها در تربیت معنوی به کارهای اشخاصی استناد می‌کند و می‌نویسد: «رؤیاها می‌توانند شیوه‌ای برای کشف اندیشه‌های مهم در زندگی دانش‌آموز باشد» (میلر، ۱۳۸۰).

1- Edward Clark

2- Manifestations

۱۰۵). برای میلر، آموزش هنر در پرورش روح و معنویت، نقش مهمی دارد. او با مباحث تفصیلی درباره ضرورت همراهی عشق و کار در زندگی، سعی دارد، لزوم تبدیل «مدارس مکانیکی» با تمرکز بر آزمونهای استاندارد، نمایش معیارها و الگوهای راهبردی و جدولهای سازمانی را به «مدارس روح‌بخشی» تبیین کند که به خلاقیت، خود‌انگیزی، سرگرمی و ماجراجویی معطوف است (میلر، ۱۳۸۰).

چنین به نظر می‌رسد که بهترین حمایت و کمک به مربی و متربی در فرایند برنامه ریزی درسی معنوی، طراحی برنامه درسی تلفیقی^۱ است تا از این طریق، پیوند فطری «زندگی» و «معنویت» مورد توجه قرار گیرد به این صورت که در برنامه درسی تلفیقی، باید علایق و خواسته‌های دانش‌آموزان منعکس شود؛ یعنی معلمان و دانش‌آموزان در قالب برنامه درسی تلفیقی شخصا به طراحی برنامه درسی بپردازند؛ زیرا آنان زمینه‌های آموزشی خود را بهتر از هر کس دیگری درک می‌کنند. ضرورت توجه به بعد معنوی برنامه درسی اقتضا دارد که توجه دادن یادگیرنده به جنبه‌های فوق مادی و دنیوی حیات از جمله ویژگیهای برجسته برنامه در نظر گرفته شود. این مهم به شیوه‌های گوناگون قابل اجرا است. یادآوری حیات اخروی در محتوا، طراحی عکس‌ها، تصاویر و سایر موارد مشابه در خصوص مراکز و مکانهای عبادی، معنوی در برنامه و غیره در تقویت ابعاد معنوی محتوا تأثیر دارند. از نظر کلارک (۱۹۹۷) برنامه درسی معنوی فقط مرکب از زمینه‌های موضوعی^۲ نیست، بلکه زمینه‌های نمادی، زمانی و جهانی قابل تأمل است. آنچه مهم است خلق زمینه معناداری است که برای ما مهم باشد. در برنامه درسی تلفیقی معنوی، موارد زیر مطرح هستند:

- زمینه آموزشی به جای محتوای آموزشی
- مفاهیم درسی به جای واقعتهای درسی
- پرسش‌های دانش‌آموز به جای پاسخ‌های او
- تفکر دانش‌آموز به جای دانش او
- درک شهودی^۳ به جای استدلال منطقی
- قصد توسعه^۴ به جای انباشت محتوای طبقه بندی شده

1- Integrated curriculum

2- Subject context

3- Imagination

4- Development intent

- فرایند یادگیری به جای فرآورده یادگیری
- کیفیت اطلاعات به جای کمیت اطلاعات (کلارک، ۱۹۹۷: ۷۳)

د) ارزشیابی برنامه درسی معنوی: چنین تصور می‌شود که ارزشیابی به منزله بخشی از تصویر پیچیده تربیت معنوی است و بخش ذاتی زندگی کاری و هر روزه مربی و متربی است. از این رو لازم است ارزشیابی به صورت بازخوردی و نیز به صورت اشتراکی تحقق پذیرد تا به توسعه و رشد توانمندیهای فراگیران و نیز توسعه بعد معنوی آنان منتهی شود. جان و پرات^۱ (۲۰۱۱) در ارتباط با ارزشیابی بعد معنویت در سبکهای تدریس به هشت مقوله کلی توجه کرده‌اند که هر یک از آنها نشانگرها و عوامل خاصی را در بر می‌گیرد. این مقوله‌ها عبارت است از: استناد صریح به وجود خداوند، ابراز ایمان به قدرتی متعالی، آرامش و صفا^۲، صداقت^۳ با دانشجویان، اشتیاق^۴ به تدریس، خوش قلبی و دلسوزی^۵، بی‌ریا^۶ و صادق بودن، و همدلی و شفقت^۷ با دانشجویان. با توجه به معنویت مورد نظر نگرش اسلامی، که تمرکز اصلی آن بر اصل توحید است، پاسخگویی در محضر حق، معنای اساسی پاسخگویی را شکل می‌دهد و دستیابی به این نوع پاسخگویی از طریق همراهی با نشانگرها و معیارهای معرفی شده در باب معنویت است. به نظر می‌رسد راهبرد اصلی مناسب برای ارزشیابی در برنامه درسی معنوی، تلفیق روشهای مربوط به رویکرد خودسنجی^۸ (محاسبه نفس) با الگوهای ارزشیابی معلم محور و فرایندمحور به منظور اقدامات اصلاحی موردی برای بهبود فرایند تربیت است. فرایندهای تعاملی میان مربی و متربی در ارزشیابی تکوینی نیز به منظور اصلاح و تعدیل خودپنداره فراگیران از آنجا که می‌تواند به تصحیح برداشتهای متربی کمک کند، بسیار ثمربخش به نظر می‌رسد و در نتیجه می‌تواند مسیر رشد معنوی را به منظور دستیابی به شاخصهای معنوی هموارتر سازد.

- 1- John & Prout
- 2- Serenity
- 3- Openness
- 4- Passion
- 5- Generosity and caring
- 6- Genuineness
- 7- Compassion
- 8- Self assessment

نتیجه گیری

انسان در جهان امروز درگیر بحرانهای گوناگونی شده است. بحران بی هویتی، بحران ارزشها، بحران در انتخاب هدف، بحران در کلیت خویش، بحران در معرفت دینی و دین فهمی، بحران در نظام تفکر، و بالاخره بحران در آیین اخلاق و آداب انسانی. امروز فرهنگ بشریت سطحی و دانش او خطرناک است؛ زیرا از لحاظ شیوه و صنعت توانمند شده است و از نظر معنا و هدف به غایت ضعیف و فقیر گشته است. یکپارچگی و وحدت و تعادل روانی انسان که از ایمان الهی و شوق دینی و احساس عرفانی و تربیت معنوی برمیخاست از میان رفته است. نظامها و برنامه‌های درسی نیز به جای اتخاذ رویکرد کل نگر و تلفیقی، تک بعدی شده‌اند و این در حالی است که انسانها موجوداتی چند بعدی هستند و لذا نادیده گرفتن هر یک از این وجوه، بخشی از انسانیت افراد را حذف می‌کند. معنویت بعدی از انسان دانسته شده است و آن را رابطه فرارونده و ایجاد وحدت با ذات الوهی، و رابطه با انسانها، طبیعت و رسیدن به یگانگی و اتحاد با هستی تعریف کرده‌اند.

برنامه درسی بر شناخت خود، شناخت جهان و شناخت ذات مطلق مبتنی است. برنامه درسی معنوی بر ضمیر ناخودآگاه انسان، بر اصول عشق به مذهب، عشق به زندگی و طبیعت، تاریخ و زندگی مذهبی و تجربه دینی تأکید دارد. از نظر متخصصان تعلیم و تربیت، تولد معنویت با اجرای برنامه درسی معنوی صورت می‌گیرد. در نتیجه آموزش معنوی، توسعه ظرفیتهای، صلاحیتهای درونی و بیرونی، بودن و به کمال رسیدن است. احساس بودن و وجود، ناشی از آموزش و پرورش معنوی است که به زندگی و حیات معنا می‌بخشد. از آنجا که معنویت موضوعی تربیتی است و حوزه تعلیم و تربیت بهترین موقعیت برای رشد بعد معنوی انسان است، لازم است طرح و برنامه‌ای در این زمینه ترتیب داد تا راهنمای مربیان باشد.

بنابراین برنامه درسی معنوی، شامل عناصر اهداف، محتوا، اجرای آموزش و ارزشیابی است که بتواند حالات و نگرشها و یا به تعبیری نشانگرهای معنویت مورد تأیید قرآن را در انسان ایجاد کند. برخی فعالیتهای آموزشی همچون کارهای تجسمی، کار با رؤیاهای، نگارش خلاق، نقاشی و انواع هنر و غیره اگرچه تا حدودی باعث پرورش بعد روحی انسان می‌شود، رشد معنوی تنها از این طریق به دست نمی‌آید. برنامه درسی معنوی برنامه‌ای است تلفیقی که هم با علائق و خواسته‌ها و نیازهای فراگیران در ارتباط است و هم مبانی نظری دینی مثل اصول و احکام و آداب دینی را در

بر می‌گیرد. برخی تصور می‌کنند که رشد معنوی افراد از طریق درس خاصی نظیر تعلیمات دینی امکانپذیر است این درحالی است که همه دروس آموزشی توان پرورش بعد معنوی افراد را دارند. طبق نظر متخصصان تعلیم و تربیت، برنامه درسی هنر، ریاضیات و علوم به رغم اینکه به حوزه‌ای جدا مربوط است، نقش مهمی در پرورش معنویت افراد دارد. البته یکی از لوازم تربیتی در بهره‌گیری از این نوع برنامه‌های درسی داشتن رویکرد تلفیقی است؛ زیرا مربی و آموزگاران این دسته از برنامه‌های درسی تنها در صورت توجه داشتن به ابعاد معنوی آموزش هنر، آموزش علوم و آموزش ریاضیات قادر به پرورش ویژگیهای معنوی افراد خواهند بود.

منابع فارسی

قرآن کریم.

باقری، خسرو (۱۳۸۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (۱۳۸۵). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات سمت.

شعبانی، زهرا (۱۳۸۵). طراحی و ارائه رویکرد جامع تلفیق برنامه‌های درسی در حوزه علوم انسانی، راهکارهایی برای ارتقای علوم انسانی در کشور. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۹). تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۸ و ۱۴

علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۴). مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی بر اساس فلسفه صدرا، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

فرانکل، ویکتور امیل (۱۳۸۰). انسان در جستجوی معنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قاسم‌پور، محسن (۱۳۸۶). مبانی و شاخص‌های رشد معنوی انسان در قرآن. مجله پژوهش دینی، شماره ۱۵.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). آزادی معنوی. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). انسان کامل. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار. ج دوم. تهران: انتشارات صدرا.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۲). «معنویت، گوهر ادیان»، سنت و سکولاریسم. تهران: انتشارات صراط.

میلر، جان پی (۱۳۸۰). آموزش و پرورش و روح: به سوی یک برنامه درسی معنوی. ترجمه نادرقلی قورچیان.

تهران: انتشارات آزاده.

منابع انگلیسی

Applebee, M. A. and Flihan, S. (2007). *Interdisciplinary Curricula in Middle and High School Classrooms: Case Studies of Approaches to Curriculum*

- and Instruction.** American Educational Research Journal., Vol. 44, No. 4, pp. 1002 –1039.
- Bertrand, Y. (1995). **Contemporary Theories and Practice in Education.** Madison, Wisconsin: Magna Publications, Inc.
- Clark, E. (1997). **Designing and Implementing an Integrated Curriculum.** Brandon, VT: Holistic Education Press.
- Elkins, D. N. (2000). **Towards a Humanistic Spirituality Chapter.** 16. pp 201-212, in: Kirk, J. Schneider, James F. T., Bugental J., Fraser Pierson (Editors), *The Handbook of Humanistic psychology, Edges in Theory Research and Practice*. London: publications.
- Elkins, D. N. (1998). **Beyond religion: A Personal Program for Building a Spiritual Life outside the Walls of Traditional Religion.** Wheaton, IL: Quest Books.
- Hill, P.C., & Pargament, K.I. (2003). **Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality.** American Psychologist, 58(1), 64-74.
- Iannone, R. & Obenauf, P. (1999). **Toward spirituality in curriculum and teaching.** Education, Vol. 119.
- John J. Cecero & Tracy A. Prout (2011). **Measuring Faculty Spirituality and Its Relationship to Teaching Style.** Religion & Education, 38:2, 128-140
- Kimber, D. (2000). **Spirituality in a Changing World: Issues for Education.** Journal of Human Values; Vol. 6, No. 175
- MacDonald, D. A., Friedman, H. L., & Kuentzel, J. G. (1999). **A survey of measures of spiritual and transpersonal constructs: Part one--Research Update.** The Journal of Transpersonal Psychology, 31(2), 137-154.
- Meehan, Christopher (2002): **Promoting Spiritual Development in the Curriculum.** Pastoral Care in Education: An International Journal of Personal, Social and Emotional Development, 20:1, 16-24.
- Noddings, N. & Shore, P. (1984). **Awakening the Inner Eye.** New York and London: Teachers College Press.
- Plante, T. G. (2008). **What do the spiritual and religious traditions offer the practicing psychologist?** Pastoral Psychology, 56, 429-444
- Ronald V., Patricia A. Obenauf. (1999). **Toward Spirituality in Curriculum and Teaching.** Journal of Education, Vol. 119,
- Rojas, R. (2002). **Management Theory and Spirituality: A Framework and Validation of the Independent Spirituality Assessment Scale,** DBA, Dissertation, Argosy University/Sarasota.
- Slattery, P. (1992). **Toward an Eschatological Curriculum Theory.** Journal of Curriculum Theorizing, 9, 7-21.
- Slattery, P. (1995). **Curriculum Development in the Postmodern Era.** New York: Garland Publishing.
- Sheldrake, P. (2007). **A Brief History of Spirituality.** Oxford, Malden and Calton: Blackwell.

- Wilber, K. (1997). **The Eye of Spirit**. Boston and London: Shambhala Publications, Inc.
- Thoresen, C. E. & Plante, T. G. (2005). **Spirituality, Religion, and health**: What do we know and what should you know? *Clinician Research Digest*, 23, supplemental Bulletin,32.
- Vaughan, F. (2003). **What is spiritual intelligence?** *Journal of humanistic psychology*. 42(2).



Archive of SID